

برندگان پول و انقلاب ما

مالامال مرگ. ما آزادیم. و آنها در پی آنند که ما را به سخره بکشند. این اولین بار نیست، و آخرین بار نیز نخواهد بود، که آنهایی که خود را خداوندگان کاینات می پندارند، باید برای طرح نقشه های شوم شان به پشت دیوارهای بلند خزیده و در پس پشت نیروهای رقت انگیز امنیتی شان مخفی شوند.

ارگان مالی و تدارک کنندگان ارتش چندملیتی ای که می خواهد دنیا را به تنها راه ممکن، یعنی از طریق تخریب اش، به چنگ آورد، ناچار است که در پشت سیستم امنیتی ای که به بلندای ترس و نکبت شان است، پنهان شود.

در گذشته، زورمندان بدون اطلاع کسی در خفا برای جنگ های آینده شان و آواره سازی توده ها طرح می ریختند. امروز، آنها ناچارند که نقشه های جنایتکارانه شان را در مقابل انظار دهها هزار نفر در کانکون و چشمان نظاره گر میلیونها نفر در سرتاسر جهان طرح ریزی کنند.

تمام این ماجرا دقیقاً بر سر همین یک نکته است. جنگ است. جنگی علیه تمامی بشریت. جهانی سازی آنهایی که در آن بالا نشستند، چیزی جز یک ماشین جهانی نیست که از خون انسان تغذیه می کند و دلار بالا می آورد.

در مسیر این ماشین پیچیده ای که مرگ و نیستی را به دلار مبدل می سازد، بخشی از بشریت ایستاده است که در کشتارگاه جهانی برای اش بهاء اندکی پرداخته می شود. این بخش از بشریت ما هستیم، بومیها، جوانان، زنان، کودکان، سالخوردهگان، همجنس گرایان، مهاجران، رنگین پوستان، کارگران، زحمتکشان و خلاصه همه آنهایی که به شکلی از اشکال از اربابان زمین متمایزند. یعنی، اکثریت قریب به اتفاق بشریت؛ یعنی ما.

آری، این جنگ جهانی زورمندان است؛ آنهایی که می خواهند دنیا را به باشگاه خصوصی شان تبدیل کنند؛ باشگاهی که در آن حق رد و یا پذیرش عضویت در بست در انحصار آنان باشد. منطقه انحصاری لوکسی که اینها اکنون در آن جا گرد آمده اند، مدل کوچکی از آن پروژه بزرگی است که آنها برای سیاره مان در سر می پروراندند؛ مجموعه ای از هتلها، رستورانها و مناطق

بیابانه ای که در زیر آمده است یکی از چند بیابانه ای است که توسط ارتش آزادی بخش زاپاتیستی در طول میتینگ سالانه، سازمان تجارت جهانی^۱ در کانکون^۱ مکزیک پخش شده است. پخش این بیابانه مقارن با تظاهرات عظیمی بود که در یازدهم سپتامبر (۲۰۰۳) و در اعتراض علیه سیاستهای اقتصادی کشورهای مرفه غرب که موجب خانه خرابی رو به شتاب میلیاردها انسان شده است، به رهبری کشاورزان کره ای برگزار گردید. متن بیابانه، که در شماره ماه نوامبر سال ۲۰۰۳ ماهنامه ساتلی ریویو چاپ شده، از انگلیسی به فارسی برگردانده شده است.

ب. محله

برندگان پول و انقلاب ما

برادران و خواهران ام که از مکزیک و از سراسر جهان برای اعتراض و مخالفت علیه نئولیبرالیسم بسیج شده و در این جا، در کانکون گرد آمده اید؛ دروهای گرم ما مردان، زنان، خردسالان و سالخوردهگان ارتش آزادی بخش ملی زاپاتیستها نارتان باد! از این که نتوانسته اید در گرمای گرم میتینگهایتان، و به رغم برنامه کار فشرده تان، وقتی را هم برای شنیدن حرفهای ما اختصاص دهید، احساس افتخار می کنیم.

جنبش توده های جهان علیه جهانی ساختن مرگ و نیستی، علیه جهانی ساختن انحطاط و تباهی، اکنون در این جا، در کانکون، یکی از درخشانترین دقایق اش را می گذراند. در فاصله ای نه چندان دور از آن جایی که شماها گرد آمده اید، مشتی از برده گان پول و سرمایه سخت در تکاپوی یافتن راهها و ابزارهای هستند که تا بتوانند به کمک شان جنایت جهانی سازی را کمکان تداوم بخشند.

تفاوت میان آنها و ما را تنها در جیبهایمان نباید جست و جو نمود؛ اگرچه جیب های گشاد آن ها مالامال پول است، و از آن ما سرشار از امید. نه! تفاوت در کیفهای ما نیست، بلکه در قلبهایمان نهفته است. در قلبهای شما و ما آینده ای جای گرفته است که در پی ساختن اش هستیم. آنها، اما، چه دارند؟! آنها تنها گذشته را دارند که به عبث در تلاش اند تا به ابد تکرارشان کنند. ما سرشار از امیدیم. آن ها

خوشگذرانی که به زور ارتش و پلیس به شدت حفاظت می شود. به همه ما نیز حق انتخاب بودن در این منطقه اعطاء شده است؛ اما تنها و تنها به عنوان خدمتگذاران شان. وگرنه باید در بیرون جهان باشیم، در بیرون حیات. اما، هیچ دلیلی وجود ندارد که ما به انتخاب میان مردن و یا زنده ماندن و خدمتگذار زورمندان بودن تن در دهیم. ما می توانیم راه نوینی را بنا کنیم. راهی که در آن زیستن به معنای زیستن در شان و آزادی است. این آلترناتیو است که بنای آن هم ممکن است و هم نیاز زمانه ماست. نیاز زمانه است؛ زیرا که آینده بشریت به آن وابسته است.

در هر گوشه هر قاره، این زمین پهناور امید و آینده موج می زند. این آلترناتیو ممکن است؛ زیرا که مردم به خوبی می دانند که آزادی واژه ای است که غالباً در مسلخ نفرت از انسانیت به قربانگاه رفته است.

برادران و خواهران! مخالفت بر علیه پروژه های جهانی سازی در هر گوشه جهان سر برافراشته است. دنیای ما اکنون به دو دسته تقسیم شده است: بالادستان، آنهایی که دنباله روی، نفرت، حماقت، جنگ، نیستی و مرگ را جهانی می سازند؛ و فرودستان، که انقلاب، امید، خلاقیت، آگاهی، ابتکار، زندگی، عشق و ساختن جهانی را که ما همه در آن جای داشته باشیم، دنیایی از آزادی و عدالت، را جهانی می سازند. قطار مرگی که سازمان تجارت جهانی به راه انداخته است، در کانکون و در سراسر گیتی، واژگون باد!

^۱ Cancun که از یک لغت قدیمی مایایی مشتق شده، به معنای "لانه افعی" و یا سوراخ مار است.

ستاد احیای دین،

امر به معروف و نهی از منکر

زینت میرهاشمی

روز جمعه عده ای از نمازگزاران و وابستگان به خامنه ای و رفسنجانی، در خیابانهای تهران به راه افتاده و شعارهایی در حمایت از حرفهای رفسنجانی و ستاد امر به معروف و نهی از منکر سر دادند. به راه افتادگان در خیابان، شعار می دادند: «ستاد احیای دین، حمایت می کنیم»، «تهاجم فرهنگی، حيله استکبار است».

پیش از خطبه های نماز جمعه ۸ اسفند، بیانیه ستاد امر به معروف و نهی از منکر خوانده شد. سپس رئیس مجمع تشخیص مصلحت در خطبه نماز جمعه از زحمات این گروه برای احیای ستاد فوق تشکر کرد.

اکثریت عظیم مردم و به ویژه جوانانی که در حیات این رژیم متولد شده اند و در محاصره ارزشهای ایدئولوژیک و استبدادی رژیم در مدارس بزرگ شدند، به دین حکومتی پشت کرده و خواهان جدایی دین از دولت هستند. رفتار جوانان به سخره گرفتن همه ارزشهای تحمیل شده حکومتی است. آنان عکس آن چیزی را انجام می دهند که اجبار حکومتی باشد. رژیم جمهوری اسلامی که با ابزار خدا و دین بر مردم حکومت می کند و رهبر آن خود را نماینده خدا روی زمین می داند، با ستادهای امر به معروف و نهی از منکر به خصوصی ترین بخش زندگی مردم دست درازی می کنند. ستادهای فوق که وابسته به نهادهای رهبری است، ابزار سرکوب مردم، جوانان و به ویژه زنان است. با تکیه بر همین ستادها بود که لمپنهای دست پرورده رژیم دست به کشتار زنان به نظر آنان بد حجاب و یا تن فروش زدند. این لمپن مزدورهای وابسته به باندهای رهبری دادگاههای الهی را در لانه های عنکبوتی خودشان تشکیل داده و زنان بی دفاع را به قتل رساندند. آنها پس از دستگیری، عمل خود را «فریضه دینی» به شمار آورده و از آن بشمارانه دفاع کردند. این گونه ستادها با پشتیبانی خامنه ای و رفسنجانی و در شرایط فعلی دقیقاً برای ارباب و احیای جو خشونت و بگیر و ببند در خیابانها ابراز وجود کرده اند. اما جنبش اجتماعی مردم و مقاومت زنان و جوانان طی ۲۵ سال بی گمان شرایط یکه تازیهای گذشته را به این گونه ابزارهای سرکوب نخواهد داد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت، که در روز انتخابات نمایشی «قهر مردم» را تلخ توصیف کرده بود، دلش را به همین چند درصد رایهای ساختگی، خوش کرده و دوباره یاد در غیبت انداخته از جهان اسلام حرف زد. وی ادعای الگو ساختن حکومت اسلامی ایران را کرد و از نزدیک شدن روحانیت به فقه حکومتی و فلسفه حکومتی ابراز خوشحالی کرد. وی گفت که «اگر این اتفاق بیفتد آنچنان بیمه و تضمینی برای انقلاب اسلامی فراهم می شود که با طوفانهای دشمن متزلزل نخواهیم شد.»

رفسنجانی منفور و هم مسلکانش، هر قدر هم که سیاست و مذهب و دین را قاطی کنند و به بخش الهی آن بیافزایند، فقه حکومتی و از این مزخرفات بیافرینند، چاره ای جز نابودی در مقابل طوفان خشم و نفرت مردم نخواهد داشت.